

سیره جهادی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

<"xml encoding="UTF-8?">



چکیده :

جهاد مهم ترین راه غلبه دین حق یعنی اسلام بر تمامی ادیان به دست حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است . چیرگی اسلام بر سایر ادیان که هدف نهایی جهاد آن حضرت است ، با از بین بردن حاکمیت شرک و کفر و استقرار حاکمیت دین حق بر سراسر گیتی تحقق می یابد. در این جهاد بزرگ و مقدس ، فرشتگان ، مؤمنان و رعب ، سپاهیان و یاوران آن حضرت اند، و جباران و ستمگران کافر و فتنه گران منحرف به ظاهر مسلمان ، دشمنان آن حضرت . حضرت مهدی پیش از آغاز جهاد، مردم را به پذیرش دین حق دعوت می کند و از یاران خویش رعایت احکام شریعت را در طول جهاد با دشمنان می طلبد. شمشیر نماد جهاد و به کارگیری سلاح است . جهاد آن حضرت هشت ماه به طول می انجامد.

مقدمه :

از وعده های خدای متعال در قرآن کریم ، چیرگی دین حق (اسلام) بر تمامی ادیان به رغم ناخشنودی کافران و مشرکان است . این وعده به بیانی دیگر در کتب آسمانی پیشین نیز آمده است . در آیه 15 سوره انبیاء، خدای متعال می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ و در حقیقت ، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. به باور تمامی مسلمانان ، وعده یاد شده ، به دست مردی از سلاله رسول خدا(صلی الله علیه و آله) تحقق خواهد

یافت ، و به اعتقاد شیعه ، این مرد آسمانی و موعود کسی نیست جز نهمین فرزند از نسل امام حسین (علیه السلام)، فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام)، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که هم اکنون زنده و از دیده ها غایب است .

به دلالت برخی آیات که از مؤمنان خواسته با کافران حربی بچنگند تا فتنه و شرک از روی زمین رخت ببرند و دین یکسره از آن خدا گردد و دلالت روایت ذیل این آیات که این مهم در آخرالزمان رخ خواهد داد، و به تصریح بسیاری از روایات مربوط به مهدویت ، جهاد مهم ترین راه غلبه دین حق بر تمامی ادیان به دست حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ تا جایی که در برخی روایات ، قیام آن حضرت ، قیام با شمشیر خوانده شده است .

اینک سخن در این است که سیره آن حضرت در جهاد چگونه است ؟ آیا با سیره جهادی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) یکسان است یا متفاوت ؟ پرسشهای فرعی این سؤال اصلی از این قرار است : هدف نهایی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از جهاد چیست ؟ به سخن دیگر، مراد از غلبه دین اسلام بر سایر ادیان چیست ؟ سپاهیان آن حضرت کیان اند؟ با چه کسانی خواهند جنگید و چگونه و با چه ابزاری و در چه مدتی ؟

این نوشتار بر آن است تا به اختصار به این پرسشها پاسخ دهد. پیش تر بیان این نکته بایسته است که سیره جهادی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برخلاف سیره جهادی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و امیر مؤمنان (علیه السلام)، هنوز واقع نشده است ، و از همین رو اخباری که از آن حکایت کرده اند، همه زوایای آن را روشن نکرده اند.

1. هدف جهاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) :

پرسش اساسی در سیره جهادی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چگونگی غلبه دادن دین حق بر سایر ادیان است . آیا این چیرگی با مسلمان کردن پیروان ادیان دیگر اعم از وحیانی و غیر وحیانی با قدرت شمشیر تحقق می یابد؟ به دیگر سخن ، آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با جهاد فراگیر خویش در پی آن است که غیرمسلمانان را مسلمان کند و اگر عده ای از پذیرفتن اسلام سر باز زدند، از صحنه گیتی براندازد تا جز پیروان دین اسلام باقی نمانند؟

از قضا پاره ای از روایات چنین محتوا و مضمونی دارند، از جمله : از امام کاظم (علیه السلام) درباره آیه 83 سوره آل عمران سؤال شد، حضرت فرمود: «این آیه درباره قائم نازل شده است که یهود و نصاری و ستاره پرستان و بی دینان و مرتدان و کافران شرق و غرب عالم را از پناهگاههایشان بیرون می کشد و اسلام را به آنها عرضه می کند، آن گاه هر کس به میل خود اسلام آورد او را به نماز و پرداخت زکات و انجام آنچه بر یک مسلمان واجب است امر می کند و اگر اسلام نیاورد گردنش را می زند تا در شرق و غرب عالم جز موحد خداپرست کسی باقی نماند.» در روایت دیگر آمده : «چون مهدی قیام کند، جزیه برداشته می شود و غیر مسلمانی نماند. او مردم را با شمشیر به دین خدا دعوت کند، هر کس نپذیرد، گردن زند و هر کس سرکشی کند، خرد سازد». در روایت دیگر، زرارۀ بن اَعْنِین

گوید: از امام باقر(علیه السلام) پرسیدم: آیا قائم با مردمان مانند پیامبر(صلی الله علیه و آله) رفتار کند؟ فرمود: «هیئات، هیئات، پیامبر با ملایمت با مردم رفتار می کرد و می کوشید تا محبت مردم را در راه دین جلب کند و تألیف قلوب نماید، اما قائم ما با شمشیر و قتل با مردم روبه رو شود. خدا به او این گونه امر کرده است که بکشد و توبه ای از کسی نپذیرد. وای به حال کسی که با مهدی بر سر ستیز آید».

به رغم این روایات، پاسخ پرسش مذکور منفی است، زیرا به صراحت برخی آیات، تحمیل عقیده و ایمان گرچه حق باشد از آن رو که امری قلبی و درونی است، ناشدنی است. تحمیل ظاهری اسلام نیز هرچند ممکن است و می توان به زور، کسی را وادار به گفتن شهادتین نمود، اما خدای متعال آن را اراده نکرده است. در آیه 99 سوره یونس خطاب به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آمده است: «اگر پروردگارت می خواست، بی گمان هر که در زمین است، همه یکسر ایمان می آوردند. پس، آیا تو مردم را ناگزیر می کنی که ایمان آورند؟» آنچه خدای متعال اراده کرده این است که آدمیان در پرتو هدایت رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، خود به اختیار و با آگاهی دین حق را برگزینند. البته تهدید و انذار نیز فرموده که اگر کسانی با سوء اختیار و از روی عناد از پذیرفتن دین حق سر باز زنند، در آخرت دچار عذابی سخت و دردناک خواهند شد. از این رو، هدف جهاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همچون هدف جهاد رسول خدا(صلی الله علیه و آله) تحمیل اسلام با قدرت سلاح و شمشیر و مراد از چیرگی دین حق بر سایر ادیان، مسلمان کردن غیر مسلمانان از راه زور نیست.

البته این حقیقت با این مطلب که در آخرالزمان اکثریت نزدیک به همه ساکنان زمین، به اختیار و با آگاهی به دین حق گرایش پیدا می کنند و مسلمان می شوند، نه تنها منافات ندارد، بلکه با چیرگی دین حق به مفهومی که پس از این خواهد آمد، زمینه گرایش غیرمسلمانان به آن فراهم می شود.

مفهوم دیگر غلبه دین حق بر سایر ادیان با جهاد، از میان برداشتن حاکمیت شرک و کفر و ستم، و استقرار حاکمیت دین حق در سراسر گیتی است. معنای استقرار حاکمیت دین حق در پهنه گیتی، تشکیل حکومتی جهانی بر اساس تعالیم و آموزه های قرآن و سنت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و پیشوایان معصوم (علیه السلام) و جاری شدن احکام اسلامی و قوانین و مقررات منطبق با شرع و موازین اسلامی در همه زمین است. آیاتی چند بر این معنای غلبه دین حق دلالت دارند، از جمله آیه 55 سوره نور. خدای متعال در این آیه به مؤمنان وعده داده است که دین مورد پسند آنان یعنی اسلام را در سراسر گیتی حاکم فرماید. مراد از «تمکین دین» در عبارت (وَلْيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ) به قرینه آیات بسیاری که این ماده در آنها به کار رفته، استقرار حاکمیت دین اسلام است نه صرف گسترش آن در میان افراد. همچنین در آیه (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ). جهاد تا رفع فتنه واجب شده است. معنای فتنه به گفته برخی مفسران به قرینه «ویکون الدین لله» شرک است. از آنجا که تحمیل اسلام بر مشرکان مردود است، مراد از «یکون الدین لله» استقرار حاکمیت اسلام است. در آیه جزیه نیز که غایت حکم جهاد با اهل کتاب، پرداخت جزیه با حالت خضوع است، «عَنْ يَدٍ» کنایه از قدرت و سلطه مسلمانان و «هُمْ صَاغِرُونَ» کنایه از پذیرش حاکمیت دین اسلام از سوی اهل کتاب است.

هدف نهایی جهاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، استقرار حاکمیت دین حق در سرتاسر جهان است، همان هدفی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) با جهاد خویش، در سرزمین حجاز تحقق بخشید. در روایات مربوط به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است که آن حضرت شهرهای شرک و دژهای گمراهی را درهم خواهد کوبید و زمین را از ستم پاک خواهد نمود و شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد.

همچنین آمده است که آن حضرت همچون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با اهل کتاب با مسالمت رفتار خواهد کرد و اهل کتاب با خضوع به او جزیه خواهند پرداخت. تمامی این روایات گواه آن است که هدف نهایی جهاد آن حضرت، استقرار حاکمیت اسلام در سراسر گیتی است.

2. سپاهیان حضرت مهدی

پرسش دیگر درباره سیره جهادی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این است که سپاهیان آن حضرت چه کسانی اند. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) پاسخ این پرسش نهفته است که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را سه سپاه یاری می دهند؛ سپاه فرشتگان، سپاه مؤمنان و سپاه رعب.

1. سپاه فرشتگان :

در روایت آمده که خدای متعال مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را با سه هزار فرشته یاری می کند. نیز آمده که جبرئیل جلودار و میکائیل عقب دار لشکر او هستند. در برخی روایات نیز آمده که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ او قرار دارند. در اینکه فرشتگان الهی چگونه آن حضرت را یاری می کنند، چند احتمال وجود دارد که احتمال صحیح آن است که فرشتگان الهی، روح ایمان، شجاعت و حماسه و ایثار را در قلب و جان مجاهدان و یاوران آن حضرت می دمند و عزم آنان را در جهاد با دشمنان راسخ تر و استوارتر می گردانند، همچنان که روحیه و عزم دشمنان را ضعیف و سست می کنند. در قرآن کریم آمده است که فرشتگان الهی مجاهدان مؤمن را در جنگهای بدر، احزاب و حنین یاری رساندند و این یاری، دادن بشارت به آنان و آرامش بخشیدن به دلهای آنان بود.

2. سپاه مؤمنان :

افزون بر سپاه فرشتگان و سپاه رعب که امداد غیبی به شمار می آیند، مؤمنان نیز حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را یاری می کنند. قیام جهانی آن حضرت صرفاً با امداد غیبی و بدون بهره گیری از اسباب و عوامل فیزیکی که نیروی انسانی پرتوان و کارآمد از مهم ترین آنها به شمار می رود به ثمر نمی نشیند، چنان که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز در جهاد با مشرکان افزون بر امداد غیبی از توان مجاهدان مؤمن سود برد، هرچند این توان نیز به نوعی تاءیید و امداد الهی بود. خدای متعال به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: (هُوَ الَّذِي

اَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ (انفال : 62)؛ همو (الله) بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید.

در روایت آمده که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از ظهور در نخستین سخنرانی های خود، در کنار استمداد از خدای متعال، از مردم و مسلمانان یاری می طلبید. در پی این فراخوانی است که ابتدا 313 نفر به تعداد مجاهدان جنگ بدر و نیز کسانی که از امتحان ننوشتن آب سربلند بیرون آمدند و با طالوت به جنگ جالوت رفتند معجزه گونه پیرامون او گرد می آیند و به ندای یاری خواهی او لبیک می گویند. این عده، یاران خاص آن حضرت و بنیان و اساس و فرماندهان سپاه مقتدر اویند. در روایت آمده که پس از یاران خاص، ده هزار نفر از نقاط مختلف جهان گرد او حلقه می زنند تا یاری اش کنند.

مجاهدان حاضر در رکاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مردانی مؤمن، استوار، صبور، نیرومند و خستگی ناپذیرند. امام صادق (علیه السلام) در وصف آنان فرموده است: «حضرت مهدی مردانی دارد که گویا دلهاشان پاره هایی از پولاد است که اندک تردیدی در آنها راه ندارد. در راه خدا سخت تر از صخره اند. اگر بر کوهها یورش برند، آنها را از جای بر کنند... شبها را به عبادت سپری می کنند و صبحگاهان سوار بر اسبان خویش اند. زاهدان شب و شیران روزند. نسبت به آن حضرت سخت فروتن و اطاعت پذیرند. آنان همچون مشعلهای فروزان اند و دلهاشان مانند قندیل هایی از نور است. تنها از خشیت الهی در هراس اند و همواره آرزوی شهادت در راه خدا را در سر دارند... خدا با آنان امام حق را یاری می کند».

در روایت دیگر آمده: «چون قائم ما قیام کند، خدای متعال بیماری و ناراحتی را از شیعیان ما می برد و دلهاشان را همچون پاره های آهن قرار می دهد و توان هر مردی از آنان را با توان چهل مرد برابر می گرداند». در روایت دیگر آمده: «چون امر ما واقع شود و مهدی ما قیام کند، هر یک از شیعیان ما از شیر شجاع تر و از نیزه بُرّاتر و کاری تر خواهد شد». به لحاظ سنی، اکثر یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جوان اند و افراد کهنسال، نادر. در روایت آمده که آن حضرت برای انتخاب یاران خویش، آنان را می آزماید.

3. سپاه رعب

رعب به معنای ترس شدید از جنودی است که به شهادت برخی آیات، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و مجاهدان صدر اسلام را در جهاد با مشرکان و کافران نصرت بخشید، و به گواهی روایات متعدد، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یارانش را یاری خواهد کرد. بنا بر یکی از این روایات، رعب به اندازه مسافت یک ماه از پیش و پس و راست و چپ آن حضرت حرکت می کند و بر دل دشمنانش افکنده می شود. این روایات نشان می دهد که بسیاری از دشمنان حضرتش با سلاح رعب توان رویارویی را از کف می دهند و از پا می افتند، هرچند به سلاحهای پیشرفته و پیچیده مجهز باشند.

3. دشمنان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

پاسخ این پرسش که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با چه کسانی خواهند جنگید، این است که کسانی که در راه استقرار حاکمیت دین بر سراسر گیتی بایستند، آماج شمشیر آن حضرت قرار خواهند گرفت و از صحنه روزگار محو خواهند شد. بنا بر آنچه در روایات آمده، اینان دو دسته اند؛ دسته نخست، جباران و ستمگران اند که با تکیه بر ثروت و قدرت خویش، حاکمیت کفر و شرک و گمراهی را در دست دارند و جز ستم و جنایت و پایمال کردن حقوق انسانها پیشه ای ندارند. در روایت آمده که «هیچ ستمگری باقی نمی ماند مگر اینکه به دست آن حضرت هلاک می شود».

دسته دوم، حاکمان و گروه های به ظاهر مسلمان اند که سخت منحرف و مستبد و جنایت پیشه اند، همان فتنه گرانی که آیات قرآن کریم را بر اساس تمایلات و هواهای نفسانی خویش تفسیر و تأویل می کنند و تنها خویش را مسلمان می پندارند، و دیگران را کافر. اینان همچون خوارج با دست آویز قرار دادن قرآن صامت، با قرآن ناطق (حضرت مهدی) احتجاج می کنند. در روایت آمده که «قائم (علیه السلام) در جهادش با چیزی برخورد می کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برخورد نکرد، زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به جنگ کسانی رفت که سنگ کنده کاری و چوب تراشیده شده را می پرستیدند، ولی کسانی بر قائم خروج می کنند که کتاب خدا را بر او تأویل می نمایند و به استناد آن با وی می جنگند».

از روایات استفاده می شود که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حرکت جهادی خویش را با جنگ با فتنه گران منحرف می آغازد و ابتدا فتنه را در جهان اسلام خاموش می کند و فتنه گران را از سر راه بر می دارد، آنگاه به سراغ حاکمان شرک و کفر می رود.

آن حضرت در خشکاندن ریشه فتنه و نابودی فتنه گران چنان مصمم و قاطع است که بسیاری از همین فتنه گران می گویند که او از آل محمد نیست، اگر از آل محمد بود، حتما رحم و شفقت می ورزید. از این رو، آنچه در روایات درباره قتل و کشتار به دست حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده، مربوط به انسانهای ستمگر، منحرف و فتنه گری است که در برابر حاکمیت دین حق سر فرود نمی آورند، اما توده های مستضعف خواه کافر یا مسلمان، نه تنها سهمی از شمشیر آن حضرت ندارند، بلکه در پرتو لطف و شفقت و عدالت گستری و حق محوری اش، از ظلم و ستم و انحراف رها و فوج و فوج وارد دین خدا می شوند و به رستگاری می رسند.

4. چگونگی جهاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

از آنجا که جهاد منهای دعوت به پذیرش دین حق و تمکین در برابر آن مشروع نیست، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز پس از ظهور و پیش از دست بردن به شمشیر، مردم جهان را به دین حق فرا می خواند. از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده که حضرت مهدی پس از قیام می فرماید: «ای مردم، من فلانی فرزند فلانی هستم، من پسر پیغمبر خدا هستم، شما را به همان چیزی دعوت می کنم که پیامبر خدا شما را به آن فرا خواند». در روایت دیگر آمده «مردم! پایان جهان و فرجام آن نزدیک شده و دنیا جدایی خویش را اعلان کرده است

. من شما را به سوی خدای یکتا و پیام آورش ، محمد(صلی الله علیه و آله)، و عمل به کتاب او و نابودی باطل و احیای سنت فرا می خوانم».

همچنین از برخی روایات استفاده می شود که بنای حضرت مهدی در جهاد با دشمنان این است که خون کسی به ناحق نریزد و حریم بی گناهی شکسته نشود و خانه ای ویران نگردد و به طور کلی احکام شریعت رعایت گردد و هیچ حقی از صاحب حقی پایمال نشود. در روایتی آمده که «آن حضرت از یارانش بیعت می گیرد که دزدی و زنا نکنند و مسلمانی را دشنام ندهند و نفس محترمی را نکشند و حریم محترمی را هتک و منزلی را ویران نکنند». در روایت دیگر آمده که فرمان آن حضرت در جنگ با فتنه گران به ظاهر مسلمان این است که «هر کس را که فرار کرده و دست از مقاومت کشیده است نکشید، مجروحان را آسیبی نرسانید». البته روایاتی با این مضمون نیز وجود دارد که سیره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جنگ با بغات و فتنه گران با سیره حضرت علی (علیه السلام) تفاوت می کند. در روایتی از قول علی (علیه السلام) آمده است : «برای من کشتن فراری و مجروح جایز بود، اما آن را برای سرنوشت یارانم که اگر [پس از من در جنگ] مجروح شدند، [به استناد سیره من] کشته نشوند ترک کردم ، اما برای قائم [چون چنین مصلحتی وجود ندارد] کشتن فراری و مجروح جایز است».

5 . سلاح و مدت جهاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

در روایات از شمشیر به عنوان سلاح حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جنگ با دشمنانش بسیار سخن رفته است . در اینکه واژه شمشیر در این روایات در معنای حقیقی به کار رفته یا نه اختلاف است . برخی معتقدند که شمشیر، نماد و رمز جهاد و کاربرد سلاح است .

از این رو، معنای این روایات این نیست که آن حضرت در آخرالزمان از شمشیر استفاده می کند، بلکه سلاحهای متعارف عصر ظهور را به کار می برد. علت کاربرد این واژه در روایات ، رعایت سطح فکری و فرهنگی مردم عصر صدور این روایات است ، زیرا آنان سلاحی جز شمشیر نمی شناختند و پیشگویی سلاحهای عصر ظهور برای آنان قابل فهم و درک نبود. برخی دیگر برآن اند که از ظاهر این روایات بر می آید که خداوند اراده کرده که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را همان گونه یاری کند که پیامبران پیشین و رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را یاری کرده است.

از این رو، هر چه در خدمت آن ها بوده ، در خدمت آن حضرت هم خواهد بود و بنابراین چاره ای نیست جز اینکه بگوییم که آلات و ابزارهای معمول و رایج در زمان ما و یا وسایل و تجهیزات جنگی پیشرفته تری که در آینده ساخته می شود، به علل معنوی یا ظاهری که بر ما پوشیده است ، در زمان ظهور بدون استفاده خواهند ماند و از رونق خواهند افتاد. اما اینکه جهاد آن حضرت چه مدت به طول می انجامد، بیشتر روایات هشت ماه را ذکر کرده اند.

نتیجه گیری :

انقلاب و قیام جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همچون بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بدون جهادی سخت و نفس گیر به سامان نمی رسد. به دیگر سخن ، جهاد آزمونی است دشوار که فرا راه مردمان عصر ظهور است ، چنان که مردمان عصر بعثت نیز با جهاد در راه خدا امتحان شدند. نیروهای مسلح ما اگر مشتاقانه از خدای متعال می خواهند که ظهور آن منجی بزرگ را درک کنند و در خدمت آرمان بلند او قرار گیرند و از یاوران او باشند، باید روز به روز بر آمادگی معنوی و روحی و رزمی و تسلیحاتی خویش بیفزایند، زیرا آمادگی همه جانبه برای کارزار با دشمنان ، فرمان جاودان قرآن کریم به همه مؤمنان در همه عصرهاست .

منبع : پیام، زمستان 1386 شماره 87